

بررسی دلایل عصمت پیامبر و امامان

از سهو و خطا و نسیان

(۳)

اشاره

در دو بخش گذشته این مقاله، طی ۳۵ بند، دلایل عصمت پیامبر و امامان را از سهو و خطا و نسیان مطرح و بررسی کردیم، اینک دنباله و بخش پایانی این سلسله بحث‌ها.

۳۶. در مانده نشدن حجت خدا از ذوالشمالین گفت: شما فقط دو رکعت نماز خواندید.

سؤال مردم

پیامبر ﷺ رو به مردم کرده، پرسیدند: آیا شما هم مانند سخن او را می‌گویید؟ مردم گفتند: آری.

در پی آن پیامبر ﷺ ایستاد و دو رکعت دیگر با مردم نمازگزار، و دو سجده

بر پایه برخی از احادیث سهو، رسول خدا ﷺ نماز جماعت را با مردم دو رکعت خواند، سپس دچار سهو شد و ذوالشمالین به ایشان گفت: آیا حکمی در مورد نماز صادر شده است؟

پیامبر ﷺ پاسخ فرمود: آن چیست؟

سهو به جا آوردند. (۱)

نمی شود عالم به چیزی باشد و جاهل به چیزی دیگر.

خداوند، اجل و اعز و اکرم از این است که اطاعت از بنده ای را واجب کند و علم آسمان و زمین خود را از او مخفی نماید. (۲) آیا آگاهی از وضعیت نماز از علوم آسمانی و زمینی بغرنج تر و پیچیده تر بوده که پیامبر ﷺ نسبت به آن آگاهی نداشته است؟!

- در حدیثی از امام صادق ﷺ آمده است: ... رسول خدا ﷺ محکم و استوار و موفق، و به روح القدس تأیید شده بود. او در سیاست و تدبیر کار مردم دچار هیچ گونه خطا و لغزشی نشد.

او مؤدب به آداب خداوند عز و جل بود. (۳) با این حال - معاذ الله - چه گونه در تدبیر يك امر شخصی دچار سرگشتگی شد؟!

- در بخشی از حدیثی که از سوی امام باقر ﷺ نقل شده آمده است: فراموشی،

یکی از نکاتی که در این حدیث به آن اشاره شده، جهل پیامبر ﷺ نسبت به کار خویش است؛ بدین شرح که ایشان نمی دانستند چند رکعت نماز خوانده اند و بلکه می پنداشتند نمازشان صحیح است. وقتی ذوالشمالین به ایشان اعتراض کرد، شگفت زده شدند و آن گاه به رفع نقصان نماز خود پرداختند.

- در حدیثی از معصوم (ع) آمده است: «به جانم سوگند که هیچ ولیّ الهی در آسمان و زمین نیست جز آن که مورد تأیید خداست و هر کس مؤید از جانب خداست، خطا نمی کند». اما در حدیث سهو می بینیم که برترین ولیّ خدا دچار خطا شده است!

- در روایتی از امام باقر ﷺ آمده است: نه به خدا، عالم [یعنی عالمی که فرمانبری از او واجب است و او کسی جز معصوم نیست] هیچ گاه جاهل نمی باشد،

۱. ر. ک: تهذیب الاحکام، ج ۲، حدیث ۱۴۳۸.

۲. همان، ص ۲۶۲.

۳. همان، ص ۲۶۶.

تنها از ناحیه شیطان است. (۴)

در توضیح این حدیث در دلالت بر مقصود ما باید بگوئیم که همه - چه کسانی که قائل به سهو پیامبر هستند و چه غیر آنها - معتقدند که شیطان هیچ گونه تسلطی بر معصوم (ع) ندارد تا او را به فراموشی مبتلا سازد. بنابراین حدیث سهو - که به گونه‌ای در صدد اثبات سلطه شیطان بر پیامبر ﷺ است - باطل و زخرف است. (۵)

- در روایتی که از ابوبصیر نقل شده، آمده است: شنیدم امام باقر علیه السلام فرمود: هر سهوی در نماز، [بخشی از] آن را [از درجه قبولی] ساقط می‌کند اما خداوند با نافله‌ها کاملش می‌کند. (۶)

در این حدیث فرایند سهو که يك امر عدمی است، به عنوان امری مذموم یاد شده است که شایسته است گریبان گیر مؤمنان و نمازگزاران حقیقی نشود تا مجبور شوند برای جبران به نافله‌ها متوسل شوند.

و چون ائمه علیهم السلام به آن چه به دیگران به عنوان معروف یا منکر بازگو می‌کردند، خود سخت پای بند بودند، نتیجه می‌گیریم همواره با حضور قلب در بخش‌های مختلف نماز بودند و به سهو و غفلت مبتلا نمی‌شدند. بر این بنیان باید حکم کنیم که حدیث سهو ارزش و اعتباری ندارد. احادیثی که در باب «ما یقبل من صلاة الساهی» حکایت شده، مهر تأییدی بر حقیقت گذشته می‌زند. در حدیثی در این زمینه از امام صادق علیه السلام آمده است: کسی که نماز می‌خواند و متوجه آن می‌باشد و در نماز با خود به گفت و گو نمی‌پردازد، یا در نماز، سهو نمی‌کند، به آن اندازه که به نمازش اقبال داشته، خداوند به او توجه و اقبال می‌کند... (۷)

شیخ حرّ عاملی بعد از نقل روایت فوق گوید: آیا می‌توان گفت که نماز پیامبر از آن رو که ایشان به آن توجه کامل

۴. ر.ک: کافی، ج ۳، ص ۳۵۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۹.

۵. مقایسه کنید با التنبیه، ص ۹۸ و ۹۹.

۶. ر.ک: الکافی، ج ۳، ص ۲۶۸.

۷. ر.ک: الکافی، ج ۳، ص ۳۶۲ و ۳۶۳.

زیرا به تعبیر روایات آنان نوری واحداند؛ اولشان محمد، اوسطشان محمد و آخرشان هم محمد است و به عنوان حقیقتی واحد در قالب‌هایی چند مطرح شده‌اند.

تصریحات و اشاراتی که در آیات و روایات - در کنار ادله قاطع عقلی - بر پیراستگی معصومان از خطا و لغزش و سهو و نسیان وجود دارد، بسیار زیاد است.^(۸) اما در مقابل آنها آیاتی به چشم می‌خورد که ظاهر آنها گویای وقوع سهو و خطا و حتی گناه از طرف معصومین است. هم چنین احادیثی وجود دارد که لغزش‌هایی را به معصومان نسبت می‌دهد. این دسته از آیات و روایات از نظر عددی قابل قیاس با ادله پیش گفته نیستند و انگهی برخی از آنها قابل تأویل و توجیه هستند و باید آنها را از معنای ظاهریشان به معنای صحیح باز گرداند. و مابقی

- یعنی آیات مزبور و تعدادی از

نداشته، ناقص بوده و خداوند در بخشی از آن نماز به ایشان بی توجه بوده و بلکه اعراض کرده بود؟! زیرا یا پیامبر در آن نماز کذایی - که می‌گویند دچار سهو گردید - به نمازش توجه داشته، که در این صورت، شك حقیقی از ناحیه حضرت امکان نداشته و یا آن گونه که مخالفان می‌گویند، اتفاق افتاده و آن حضرت نصف نمازش را ترك گفته بود که در این صورت به تمام نمازش اقبال نداشته^(۸) است.

- در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده است: امام، مؤید به روح القدس است. و میان او و خداوند، عمودی از نور قرار دارد که در پرتو آن، کارهای بندگان را می‌بیند و به هر چه برای راهنمایی و هدایت مردم نیاز داشته باشد، آگاه می‌شود. امام مانند دیگران متولد می‌شود... ولی نسیان و سهو نمی‌کند...^(۹)

مختصات یاد شده، در مورد پیامبر

صلوات الله علیه و سایر ائمه هدی هم صادق است.

۸. ر.ك: التنبیه، ص ۱۰۲.

۹. ر.ك: عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۹۳ (طبع اعلمی).

۱۰. برای تفصیل مطلب بنگرید به کتاب «التنبیه بالمعلوم من البرهان فی تنزیه المعصوم عن السهو والنسیان».

طور اجمال به محتوا و مضمون تعدادی از آنها که اشتباه و خوابیدن در وقت نماز را به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهد، می‌پردازیم:

در منابع شیعی مانند تهذیب الاحکام و استبصار و کافی و من لا یحضره الفقیه بیش از ده روایت^(۱۳) در مورد سهو و نسیان و غفلت پیامبر ﷺ از کسانی چون سماعة بن مهران، حسن بن صدقه، سعید اعرج، ابی بکر حضرمی، جمیل نقل شده و در آنها آمده است که رسول خدا ﷺ در نمازی که می‌بایست آن را چهار رکعت بخواند، در رکعت دوم از روی فراموشی سلام داد. در مقابل، برخی از صحابه و همراهان به ایشان اعتراض کرده، اشتباه حضرت را تذکر دادند. در پی این تذکر، پیامبر ﷺ به تکمیل نماز خود پرداخت. و در برخی از

احادیث سهو - آنها - یعنی دیگر احادیث سهو - زخرف و باطل می‌باشند و اعتبار ندارند زیرا در فضای خفقان آلود عصر بنی‌امیه و بنی‌عباس صادر شده‌اند و به همین علت قابلیت اعتماد و عمل ندارند.

در این جا به طرح تعدادی از این روایات^(۱۱) و دلالت آنها و مفاد آنها می‌پردازیم.

روایات سهو و نسیان

در تعدادی از روایات شیعه و سنی به مواردی برمی‌خوریم که در آنها سهو و نسیان و غفلت به پیامبر و برخی از ائمه ﷺ نسبت داده شده است. بررسی کلیه این روایات از جنبه متن و سند از گنجایش این مقاله افزون است.^(۱۲) برای همین به

۱۱. برای اطلاع از تفسیر صحیح این آیات بنگرید به فصل ۱۲ کتاب التنبیه و تفسیر موضوعی قرآن کریم و شرح چهل حدیث امام خمینی و تئزیه انبیاء آیت الله معرفت.

۱۲. شیخ حر عاملی در کتاب بی نظیر «التنبیه بالمعلوم من البرهان فی تئزیه المعصوم عن السهو والنسیان» در این خصوص به تفصیل سخن گفته است.

۱۳. مرحوم شوشتری تعداد آنها را دوازده حدیث می‌داند. (ر. ک: رساله سهو النبی، ملحق به جلد ۱۱ قاموس الرجال، چاپ قدیم. نگارنده گرچه رساله مزبور را رؤیت کرده ولی مطلب مزبور را از یکی از مقالات شماره ۲۴ مجله کلام، ص ۱۰۵ نقل کرده است.

این احادیث آمده که پیامبر ﷺ هنگام نماز صبح در خواب بود و به همین سبب فریضه صبحشان فوت شد. وقتی بیدار و متوجه شدند، به تدارک آن پرداختند. ما متن یکی از روایات مربوط به سهو حضرت در نماز و نیز متن یکی از روایات مربوط به فوت شدن نماز حضرت را در زیر می‌آوریم:

- عن سعید الأعرج قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: صلى رسول الله ﷺ ثم سلم في ركعتين، فسأله من خلقه: يا رسول الله، أحدث في الصلاة شيء؟ قال ﷺ: وما ذاك؟ قالوا: إنما صليت ركعتين! فقال: أكذلك يا ذاليدين؟ (وكان يدعى ذا الشمالين). فقال: نعم. فبنى ﷺ على صلاته، فأتم الصلاة أربعاً. وقال ﷺ: إن الله عز وجل هو الذي أنساه رحمة للأمة. ألا ترى لو أن رجلاً صنع هذا لعير و قيل ما تقبل صلاتك، فمن دخل عليه اليوم ذلك. قال ﷺ: قد سن رسول الله ﷺ وصارت أسوة وسجد سجدة لكان الكلام. (۱۴)

- عن سعید الأعرج قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: نام رسول الله ﷺ عن الصبح والله عز وجل أنامه حتى طلعت الشمس عليه. وكان ذلك رحمة من ربك للناس. ألا ترى لو أن رجلاً نام حتى تطلع الشمس لعيره الناس وقالوا: لا تتورع لصلاتك؟ فصارت أسوة حسنة وسنة، فان قال رجل لرجل: نمت عن الصلاة، قال: قد نام رسول الله ﷺ، فصارت أسوة ورحمة رحم الله بها هذه الأمة. (۱۵)

در مناسبات اهل سنت بیش از منابع شیعی به این احادیث دامن زده شده است. بعداً در این باره به طور اجمال سخن می‌گوییم. در این جا به ذکر دو نمونه از آنها می‌پردازیم:

- عن أبي هريرة قال: صلى رسول الله الظهر أو العصر فسلم في ركعتين وانصرف. فقال له ذو الشمالين بن عمرو: أنقصت الصلاة أم نسيت؟ فقال النبي: ما يقول ذو اليدين؟ فقالوا: صدق يا نبي الله.

۱۴. الكافي، ج ۳، ص ۳۵۷.

۱۵. همان، ص ۲۹۴. بسنجید با من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۵۸.

فأتم بهم الركعتين اللتين نقص. (۱۶)

هستند، تمسک بجوییم. البته اینجا نوبت به تعارض نمی‌رسد. زیرا - چنان که اشاره شد - روایات دال بر عدم سهو و نسیان و خطای پیامبر ﷺ بسیار زیاد و از سوی موافق آیات هستند. علما هم همگی - جز یکی، دو نفر - طبق این دسته از احادیث نظر داده‌اند و بر پایه آنها عمل کرده‌اند. لذا احادیثی که عصمت معصوم را به نحو مطلق اثبات می‌کند، اگر مجمع علیها نباشد دست کم مشهور است. و این باز خود عاملی است که کفه ترازو را به نفع روایات نفی سهو می‌آورد. بنابر آن چه گفته شد، بایستی به نادرستی مضمون روایات سهو و زخرف بودن آنها حکم کنیم. زیرا چنان که اشاره شد، روایاتی که در منابع شیعه و سنی نقل شده و بیان

نقد و ارزیابی احادیث سهو

احادیث سهو - که بیانگر اشتباه و غفلت و فراموشی و خطای پیامبر ﷺ (۱۷) است - با ادله قاطع و محکم عقلی و نقلی - که در آیات و روایات مطرح شده و تعدادشان بسیار بیشتر از آن احادیث است - تعارض دارد، ما در بخش‌های گذشته این مقاله تعدادی از آنها را نقل کردیم، وانگهی با روایات عامه و عقاید آنان (۱۸) مبنی بر وقوع سهو و نسیان و خطا از جانب پیامبر ﷺ همخوان و همسوست. و این از نشانه‌های بطلان حدیث است. زیرا در روایات اهل بیت ﷺ آمده که در مقام تعارض روایات به روایاتی که مخالف عامه

۱۶ - سنن النسائی بشرح جلال الدین السیوطی و حاشیة السندی، ج ۳، ص ۲۴ (المطبعة المصرية بالأزهر، تصحیح بعض أفاضل العلماء، بی تا).

۱۷ - و برخی از معصومین دیگر.

۱۸ - سیوطی که یکی از معاریف و بزرگان اهل سنت است، گوید: «فقد اضاف ﷺ النسیان إلى نفسه في غير موضع فقال: إنما أنا بشر أنسى كما تنسون فإذا نسيت فذكروني». (ر.ک: سنن النسائی، ج ۳، ص ۲۳). البته بیشتر - و به تعبیر آیت الله شبر جمهور اهل سنت - معاصی و بعضی حتی کفر را به انبیا - پیش و بعد از نبوت - نسبت می‌دهند و سهو و غلط را از انبیا مجاز می‌شمارند. (ر.ک: حق الیقین، ص ۹۱، مطبعة العرفان، صیدا، ۱۳۵۲ هـ، الجزء الأول).

با تنزل مقامات الهی و روحانی آنان در حد يك بشر عادی، از فجایع و بدنامی خلفا بکاهند تا مردم نتوانند به حاکمان ستمگر اموی و عباسی اعتراض و خرده‌گیری کنند.

به عبارتی دیگر نظریه پردازان و کارگزاران هیئت حاکمه اموی و عباسی برای آن که بتوانند آیات و روایاتی را که در آنها برای والیان امر، عصمت و پیراستگی از گناه و اشتباه شرط شده، به چالش بکشند و سلطه و سیطره خود را مقبول عند العامه بنمایند، به جعل اخباری که در تعارض مستقیم با نصوص و روایات بود، دست زدند و با تحریف حقایق و مشتبه ساختن آنها، به بهره‌برداری سیاسی لازم و گمراهی توده مردم پرداختند. و باکی نداشتند که در راستای اهداف خود حتی چهره منور و الهی رسول اعظم را مخدوش سازند. ابزار و مهره‌های آنها برای نایل شدن به این مقصود امثال ابوهیریه و عمرو عاص و مغیره بن شعبه بودند. اسکافی -

کننده سهو و نسیان ائمه می‌باشد، فقط دوازده حدیث است. از میان آنها چهار حدیث، صحیح السنند و یکی حسن است. (۱۹)

با چنین مؤونه ضعیفی نمی‌توان يك مسأله مهم و استراتژیک عقیدتی را ثابت کرد. زیرا هم چنان که چند بار اشاره شد، احادیث سهو در رویارویی با سیل عظیمی از ادله عقلی و نقلی و اجماع علما قرار دارد.

خاستگاه اصلی صدور روایات سهو

آن چه به طور خلاصه در این جا باید درباره صدور روایات سهو و نسیان گفت، این است که مخالفان اهل بیت عصمت و طهارت به منظور موجه جلوه دادن زشتی‌ها و معاصی و تبهکارهای سردمداران جایز اموی و عباسی - که زمام امور و حکومت را تحت سیطره و قدرت خود داشتند - راه حلی جز این ندیدند که دامن مقدس و مطهر انبیا و اولیای الهی را لکه‌دار سازند و

از حاضران از این جریان آگاهی پیدا کرد، به مردم گفت: او مسلماً دچار هذیان شده است! بعد از آن جسارت کفر آمیز بود که پیامبر اعظم ﷺ مصلحت را در این دیدند که خواسته خود را رها سازند. حتی اگر پیامبر ﷺ به آن نکته حیاتی - که اسلام و مسلمین را برای تمام اعصار بیمه می کرد و به آنان عزت دنیا و آخرت می بخشید - با نگارش شریفش تصریح می فرمود، باز هم مخالفان آن حضرت قبول نمی کردند و می گفتند: این را سهوی یا اشتباهی نوشته یا می گفتند: او در حال عادی نبوده یا اختیار از او سلب شده بود و مانند آن.

آری برای آن که قبح و زشتی پاسخ های نامعقول و کفر آمیز خود را در محضر رسول الله ﷺ از اذهان و افکار عامه بزایند، احادیث سهو و غفلت و خواب را در حق پیامبر ﷺ جعل کردند تا زمینه و تمهیدات لازم برای آن مخالفت بزرگ - که اصل و اساس تفرقه و اختلاف را ایجاد کرد و همواره باقی خواهد ماند - آماده باشد. (۲۱)

که از علمای بزرگ اهل سنت است - گوید: «ان معاوية حمل قوماً من الصحابة وقوماً من التابعين على رواية اخبار قبيحة في علي تقضى الطعن فيه والبراء منه ... منهم أبو هريرة وعمرو بن العاص والمغيرة بن شعبة ومن التابعين عروة بن الزبير». (۲۰)

يك تحليل ديگر درباره احاديث سهو

منشأ وضع این روایات باطل - حتی طبق مذهب اهل سنت - آن است که مخالفان اهل بیت می خواستند این موضوع را به مردم تفهیم کنند که پیامبر ﷺ هم ممکن است دچار سهو و نسیان بشود. هدف آنان از این رویکرد شیطانی این بود که رفتار نابخردانه و توهین و بلکه کفر آمیز کسانی را که در محضر پیامبر ﷺ هنگام وفاتشان اسائه ادب کردند، توجیه کنند. توضیح آن که آن بزرگوار در وقت وفات از مردم خواستند مرکب و کاغذ بیاورند تا با نگارش مطلبی درباره خلیفه بعد از خود، به اختلافات مردم پایان بخشند. چون یکی

۲۰. ر.ك: ابهریره، ص ۴۲.

۲۱. ر.ك: نفي السهو عن النبي ﷺ، ص ۴۶-۴۵ (با تصرف).